



The University of Tehran Press

International Responsibility of States for Acts of Non-Governmental Groups Through Arms Transfers in Light of the Arms Trade Treaty

Keyvan Ebrahimi Erami¹ | Heybatollah Najandimanesh^{2✉} | Mohsen Mohebi³

1. Ph.D. Studenta in Public International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: keyvan_e_1980@yahoo.com
2. Corresponding Author; Assistant Professor, Public and International Law Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: hnajandimanesh@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of public and International Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: Sd.mohebi@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Pages: 303-328 Received: 2023/05/25 Received in Revised form: 2023/08/07 Accepted: 2023/12/23 Published online: 2025/03/21 Keywords: <i>Arms Trade Treaty, arms transfer, non-governmental groups, international responsibility.</i>	The transfer of weapons is a significant issue for the international community, as uncontrolled transfers can lead to armed conflicts and insecurity. Therefore, the Arms Trade Treaty (2013) specifically regulates the conditions for the international transfer of conventional arms and imposes obligations on the transferring state. However, neglecting the issue of transferring weapons to non-state groups is a notable criticism, as the transferred arms are often used for severe violations of human rights and humanitarian law. Thus, this research, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question of what responsibilities states have regarding the actions of non-state groups through arms transfers. The findings indicate that states are not permitted to carry out any arms transfers under the cover of the Arms Trade Treaty if such actions violate their obligations under international charters or agreements, or if they know that these weapons will be used in the commission of international crimes or terrorist acts. Consequently, a state that is aware of an international wrongful act and assists or facilitates it through arms transfers violates its obligations to prevent international crimes, thereby establishing international responsibility for that state as an accomplice or facilitator, which includes consequences such as compensation for damage.
How To Cite	Ebrahimi Erami, Keyvan; Najandimanesh, Heybatollah; Mohebi, Mohsen (2025). International Responsibility of States for Acts of Non-Governmental Groups Through Arms Transfers in Light of the Arms Trade Treaty. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (1), 303-328. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.359896.3325
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.359896.3325
Publisher	The University of Tehran Press.



مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی از طریق انتقال تسلیحات با توجه به معاهده تجارت اسلحه

کیوان ابراهیمی ارمی^۱ | هیبت‌الله نژندی مش^۲ | محسن محبی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: keyvan_e_1980@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: hnajandimanesh@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Sd.mohebi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۳۲۸-۳۰۳ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱ کلیدواژه‌ها: انتقال سلاح، گروه‌های غیردولتی، مسئولیت بین‌المللی، معاهده تجارت اسلحه.	انتقال سلاح یکی از موضوعات مهم برای جامعه بین‌المللی است، چراکه انتقال کنترل نشده به وقوع درگیری‌های مسلحانه و ناامنی منجر می‌شود. از این رو معاهده تجارت اسلحه (۲۰۱۳) به‌طور خاص شرایط انتقال بین‌المللی تسلیحات متعارف را تنظیم کرده و تعهداتی بر دولت منتقل‌کننده تحمیل می‌کند، اما بی‌توجهی به مسئله انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی یکی از نقدهای وارده است، زیرا تسلیحات منتقل شده در اغلب موارد برای نقض شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه استفاده می‌شود. بنابراین تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی با انتقال سلاح چه مسئولیتی می‌یابند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دولت‌ها مجاز به هرگونه انتقال سلاح تحت پوشش معاهده تجارت اسلحه نیستند، در صورتی که ناقض تعهداتشان در منشور یا توافقنامه‌های بین‌المللی باشد یا اگر بدانند که از این سلاح‌ها در ارتکاب جنایات بین‌المللی یا اعمال تروریستی استفاده می‌شود. در نتیجه دولتی که از وقوع عمل متخلفانه بین‌المللی آگاهی داشته باشد و با انتقال سلاح در ارتکاب یا تسهیل آن، کمک یا مساعدت کند، تعهداتش مبنی بر پیشگیری از جرائم بین‌المللی را نقض می‌کند و موجبات مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت به‌عنوان معاون یا مساعدت‌کننده فراهم می‌شود که در این صورت آثاری از جمله جبران خسارت به‌همراه دارد.
استناد	ابراهیمی ارمی، کیوان؛ نژندی مش، هیبت‌الله؛ محبی، محسن (۱۴۰۴). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی از طریق انتقال تسلیحات با توجه به معاهده تجارت اسلحه. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۱)، ۳۲۸-۳۰۳. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.359896.3325
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.359896.3325
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

امروز مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی از پرشمارترین نوع مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شوند که در بیشتر مواقع خاستگاه قبیله‌ای، نژادی و مذهبی دارند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۲۵۲). این مسئله موجب شده است تا موضوع کنترل دسترسی گروه‌های غیردولتی به تسلیحات کوچک و سبک بیش از هر زمانی اهمیت پیدا کند. در این زمینه برخی دولت‌ها به‌طور معمول تأمین‌کننده گروه‌هایی هستند که با حمله به دولت‌های دشمن یا گروه‌هایی که قرابت‌های قومی، ایدئولوژیکی یا انقلابی دارند، به منافع آنها خدمت می‌کنند (Bromley et al., 2018: 5). در واقع از این گروه‌ها به‌عنوان «نیابت» برای ایجاد بی‌ثباتی یا محافظت از منافع خاص یک دولت استفاده می‌شود (Tamara, 2017: 10). حتی در صورت وجود انگیزه‌های اقتصادی، انتقال سلاح به‌طور گسترده به‌عنوان مسئله سیاسی تلقی می‌شود که بر روابط دو یا چندجانبه میان تأمین‌کنندگان، کشورهای دریافت‌کننده تسلیحات، بازیگران غیردولتی، مالیات‌دهندگان و قربانیان تأثیر می‌گذارد (Carlos et al., 2017: 135). برای بعضی دولت‌ها -ارائه تسلیحات به هر گیرنده‌ای غیر از دولت - حق اساسی و ابزار مفیدی برای نفوذ و پیشبرد اهداف آن دولت است، چراکه این دولت‌ها^۱ می‌خواهند تا حق کمک به گروه‌های غیردولتی تحت حمایت خود را حفظ کنند (Stavrianakis, 2016: 842). احتمالاً به همین دلیل است که برخی دولت‌ها (مانند ایران) با معاهده تجارت اسلحه مخالفت می‌کردند و آن را اقدامی سیاسی برای مشروعیت‌زدایی از اعمال آنها و در عین حال تسهیل اقدامات دولت‌های غربی می‌دانستند (عسکری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶۰). واضح است که انتقال کنترل‌نشده تسلیحات نظامی به گروه‌های غیردولتی به درگیری، خشونت مسلحانه و ناامنی در سراسر جهان کمک می‌کند، از این‌رو باید توجه بیشتری به انتقال سلاح به آنان شود (Policzer & Yankey, 2009: 12).

در حقوق بین‌الملل تا پیش از تصویب نهایی «معاهده تجارت اسلحه»^۲ قواعد دقیقی برای نظارت بر تجارت اسلحه و مهمات و به‌طور خاص سلاح‌های متعارف وجود نداشت. دلیل این امر نیز روشن است، چراکه از یک طرف، در حقوق بین‌الملل بیشتر تلاش شده است تا سلاح‌های کشتار جمعی و خطرناک محدود و ممنوع شوند و از طرف دیگر، قدرت‌های بزرگ تولیدکننده سلاح‌های متعارف و مهمات مایل نیستند تا درآمدهای هنگفت خود را با هیچ‌گونه تهدید یا تحدید ناشی از نظام‌مندسازی تجارت اسلحه مواجه سازند (شریفی طرازکوهی و گودرزی رئوف، ۱۳۹۶: ۱۹۶). به همین دلیل معاهده تجارت اسلحه

۱. در این زمینه می‌توان به تجهیز و تسلیح حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه و یگان‌های مدافع خلق در آن کشور توسط آمریکا و همچنین حمایت روسیه از طالبان اشاره کرد.

2. Arms trade Treaty (2013)

اولین توافقنامه قانونی الزام‌آور با دامنه بین‌المللی است که انتقال سلاح‌های متعارف را محدود می‌کند و به دنبال کاهش تجارت غیرقانونی تسلیحات و در عین حال تأکید بر اهمیت امنیت انسانی است (Nave, 297: 2019). از این رو چنین معاهده‌ای نقطه اوج ابتکارات اختصاصی متعددی است که در دهه‌های اخیر برای قاعده‌مند کردن تجارت تسلیحات متعارف در قالب یک معاهده حقوقی الزام‌آور انجام شده است (Parker, 2014: 78). همچنین معاهده تجارت اسلحه بخشی از تلاش گسترده جهانی در سال ۲۰۰۱ است که با تصویب «برنامه اقدام برای جلوگیری، مبارزه و ریشه‌کنی تجارت غیرقانونی سلاح‌های کوچک و سبک در تمامی جنبه‌های آن»^۱ توسط سازمان ملل متحد مطرح شده است (شفیعی و دولتخواه، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۵). با اینکه معاهده تجارت اسلحه از کشورهای عضو می‌خواهد تا هرگونه انتقال سلاح را ممنوع سازند، در صورتی که از آنها برای ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی استفاده شود (Commonwealth Secretariat, 2017: 533-534)، اما یکی از انتقادهایی که به آن وارد است بی‌توجهی به مسئله انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی است، چراکه تسلیحات ارسال شده در اغلب موارد برای نقض حقوق بشر، ارتکاب به نقض جدی حقوق بشردوستانه یا بی‌ثباتی منطقه و کشورهای دیگر به کار می‌روند (محمدی و صداقت، ۱۳۹۴: ۲۳۲).

بنابراین تحقیق حاضر با هدف پیشگیری و ممنوعیت انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی در صدد این است با تحلیل تعهدات دولت‌های عضو در معاهده تجارت اسلحه به این پرسش پاسخ دهد که دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی با انتقال سلاح چه مسئولیتی می‌یابند؟ در این زمینه به نظر می‌رسد دولتی که مبادرت به انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی کند، در صورتی که از این تسلیحات برای ارتکاب جنایات بین‌المللی یا اعمال تروریستی استفاده شود، ضمن نقض تعهدات بین‌المللی می‌تواند دچار مسئولیت بین‌المللی شود و آثار و پیامدهایی را نیز برای آن دولت در پی داشته باشد. به همین منظور پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعات اسنادی سعی دارد تا در ابتدا مفهوم انتقال در معاهده تجارت اسلحه را توضیح دهد و سپس دلایل عدم درج منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی در این معاهده را مشخص کند و در ادامه با مدنظر قرار دادن اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی، چنین ممنوعیتی را در معاهده تجارت اسلحه بررسی کند و در پایان به ابعاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی در زمینه انتقال سلاح بپردازد.

1. Programme of Action to prevent, Combat and Eradicate the Illicit Trade in Small Arms and Light weapons in all its Aspects.

۲. مفهوم انتقال در معاهده تجارت اسلحه

با توجه به اینکه محدودیت «انتقال» تسلیحات متعارف نقش مهمی در معاهده تجارت اسلحه ایفا می‌کند، تمرکز اصلی معاهده بر استفاده از استانداردهای انسانی برای انتقال اسلحه و در نتیجه «کاهش رنج انسان»، یکی از اهداف مهم آن است (Sharma & Finaud, 2019: 3) که به‌عنوان «رژیم کنترل تسلیحات معاهده تجاری و سند جدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر» توصیف شده است (Henderson, 2017: 168)، چراکه این معاهده یک هنجار جهانی در خصوص انتقال مسئولانه تسلیحات ایجاد می‌کند و انتظاراتی را در زمینه رفتار همه کشورهای به‌وجود می‌آورد (Commonwealth Secretariat, 2017: 535). در این زمینه بند ۲ ماده ۲ معاهده تجارت اسلحه، «انتقال» سلاح برای موضوع معاهده را به‌عنوان «فعالیت‌های تجارت بین‌المللی شامل صادرات، واردات، ترانزیت، انتقال و دلالی» تعریف می‌کند. از این رو باید گفت که اصطلاحات «تجارت» و «انتقال» برای معاهده، مترادف هم تلقی می‌شوند. در واقع تعریف انتقال در ماده مذکور تأیید می‌کند که معاهده بر فعالیت‌های مذکور حاکم است، بدون توجه به اینکه مستلزم مبادله تجاری باشد (Commonwealth Secretariat, 2017: 537-538). بنابراین حرکت فیزیکی سلاح‌های متعارف در داخل همان کشور عضو و حرکت بین‌المللی آنها در صورتی که سلاح‌های متعارف تحت مالکیت آن دولت عضو باقی بماند، خارج از محدوده معاهده تجارت اسلحه است و به‌عنوان انتقال محسوب نمی‌شود.^۱ در این زمینه پروفیسور وکل^۲ به گستردگی تفویض تعهد مقرر در معاهده تجارت اسلحه، به‌ویژه در خصوص ترانزیت و حمل‌ونقل (ماده ۹) و دلالی (ماده ۱۰) اشاره دارد، هرچند از گنجانیدن صریح آنها در بند ۲ ماده ۲ معاهده تجارت اسلحه استقبال می‌کند (Fukui, 2015: 315).

در خصوص ترانزیت و انتقال، بسیاری از کشورها نمی‌خواهند محدودیتی (به‌طور مثال در هنگام استقرار نیروهایشان در خارج از کشور) برای عملیات نظامی خود داشته باشند. ضمن اینکه با توجه به کشورهای که مقررات سختگیرانه‌تر در مورد تجارت اسلحه را ترجیح می‌دهند، به‌نظر می‌رسد تعهد تحمیل‌شده در ماده ۹ به شکل «در صورت لزوم و امکان‌پذیر»^۳ یا به‌عبارتی با تشخیص دولت‌های عضو بیش‌ازحد کلی باشد. در مقابل، برای کشورهایی که نگرانی دارند محدودیت ترانزیتی ممکن است مانع عملیات نظامی آنها شود، شرایطی که در پایان این ماده به‌صورت «مطابق با قوانین بین‌المللی مربوطه» آمده، به‌همراه مفاد ماده ۲ (۳) که توضیح داده است: «عبور بی‌ضرر را به کشتی‌هایی اجازه می‌دهد که سلاح‌های متعارف تحت کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاهای حمل می‌کنند»، مناسب‌تر دیده می‌شود. بنابراین مواد مذکور دولت‌ها را متقاعد می‌کند تا معاهده تجارت اسلحه را بپذیرند، هرچند ممکن است مانعی برای تنظیم ترانزیت و حمل‌ونقل باشد.

۱. بند ۳ ماده ۲ معاهده تجارت اسلحه

2. Weckel

3. necessary and feasible

در خصوص دلالتی نیز، ماده ۱۰ حاوی عبارت «طبق قوانین ملی آن» است که اعمال تعهد مذکور در این ماده نیز به قانون داخلی کشورهای عضو تفویض شده است. با وجود این چنین طرز بیانی برای جهانی شدن معاهده تجارت اسلحه نیز تأثیر مثبتی دارد، چراکه لازم نیست کشورهای امضاکننده قانون جدیدی برای انعقاد معاهده تجارت اسلحه وضع کنند. بر عکس، برای کشورهایی که در قوانین ملی آنها به اندازه کافی برای تنظیم نقل و انتقال تسلیحات اقدام نشده یا اغلب از درگیری‌های مسلحانه در رنج هستند، این موضوع ممکن است مشکلاتی را در پی داشته باشد.

۳. عدم درج منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی در معاهده تجارت اسلحه

عدم موفقیت معاهده تجارت اسلحه در ممنوعیت هر نوع انتقال بدون مجوز تسلیحات به گروه‌های غیردولتی یکی از دلایل اصلی در صدور رأی ممتنع یا مخالف علیه آن توسط برخی از دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس نهایی مجمع عمومی برای تصویب آن بوده است (محمدی و صداقت، ۱۳۹۴: ۲۳۱). در این زمینه مهم‌ترین تلاش برای کنترل انتقال تسلیحات به گروه‌های غیردولتی در مذاکراتی بود که به معاهده تجارت اسلحه منجر شد. بر اساس مباحث منتهی به معاهده تجارت اسلحه و بحث در خصوص ممنوعیت انتقال تسلیحات به گروه‌های غیردولتی به دلیل نگرانی بسیاری از دولت‌ها در زمینه تهدید علیه صلح، امنیت و ثبات ناشی از این گروه‌ها، تعدادی از دولت‌ها خواستار درج ممنوعیت انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی توسط دولت‌های صادرکننده و واردکننده در معاهده تجارت اسلحه شدند، اما کمیته مقدماتی نتوانست به برخی از چالش‌های مطرح‌شده درباره مسئله منع انتقال سلاح به این گروه‌ها، از جمله «تعریف پذیرفته‌شده بین‌المللی از یک گروه غیردولتی» بپردازد. شایان ذکر است این مشکل مختص به معاهده تجارت اسلحه نبود، بلکه در «کنوانسیون جهانی منع انتقال بین‌المللی تسلیحات کوچک و سلاح سبک به گروه‌های غیردولتی» که توسط کانادا مطرح شد (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۲۲) و «برنامه اقدام سازمان ملل در خصوص سلاح‌های سبک و کوچک» نیز چالش‌هایی از جمله تعریف پذیرفته‌شده بین‌المللی از یک گروه غیردولتی، مانع توافق جهانی در زمینه ممنوعیت انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی شده است (Bellal et al., 2011: 6). به دلیل اینکه دسته‌هایی از گروه‌های غیردولتی هستند که بیشتر دولت‌ها موافق‌اند تا در هر شرایطی از دریافت اسلحه منع شوند، در مقابل گروه‌هایی وجود دارند که بعضی دولت‌ها خواهان انتقال سلاح به آنها هستند (Clapham, 2006: 57). در واقع تجربه نشان داده که توافق همه کشورها در مورد اشاره صریح به منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی یا انتقال فقط بین دولت‌ها وجود ندارد (Alaraby & Müller, 2020: 7). بنابراین هرچند تمرکز بر جلوگیری از دستیابی گروه‌های غیردولتی به تسلیحات بوده است، اما چنین

رویکردی برای برخورد با آن بسیار محدود است (Bonomo et al., 2007: 8)، چراکه ارسال تسلیحات توسط یک دولت به گروه‌های غیردولتی، مقررات بین‌المللی را نقض نمی‌کند، مگر اینکه تحریم مشخصی از سوی سازمان ملل برای ارسال سلاح به دریافت‌کننده وجود داشته باشد یا تأمین‌کننده طبق قطعنامه شورای امنیت ممنوع شود. از این‌رو در حال حاضر هیچ سند حقوقی بین‌المللی وجود ندارد که بتواند تسلیحات را فقط به دولت‌ها منتقل کند (Sabel, 2008: 12). در نتیجه ناتوانی معاهده تجارت اسلحه در پرداختن به موضوع انتقال تسلیحات به بازیگران غیردولتی توسط بسیاری از کشورها مورد انتقاد است که به تصویب آن رأی ممتنع یا مخالف دادند و یا حتی توسط برخی از کشورهایی که آن را تأیید کردند.

۳. ممنوعیت انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و معاهده تجارت اسلحه

۳.۱. اسناد بین‌المللی در زمینه منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی

در این خصوص می‌توان دو نوع قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را ذکر کرد که گروه‌های غیردولتی را مشمول ممنوعیت انتقال سلاح می‌کند:

اول) تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل که با قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت تحت اختیار فصل هفتم (ماده ۴۱) منشور وضع شده و کشورهای عضو سازمان را از نظر قانونی ملزم می‌کند تا از عرضه سلاح، مهمات و تجهیزات نظامی به کل قلمرو یک دولت خاص، گروه‌های غیردولتی یا افراد فعال در سرزمین‌های خاص خودداری کنند. در این زمینه از سال ۱۹۹۱ شورای امنیت تحریم‌های تسلیحاتی متعددی را علیه گروه‌های غیردولتی (از جمله در عراق،^۱ کنگو،^۲ لبنان،^۳ رواندا،^۴ سومالی^۵ و ...) وضع کرده است.

دوم) قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت که دولت‌ها را ملزم می‌کند تا قوانینی «مناسب» و «مؤثر» وضع کنند که هر گروه غیردولتی را از ساخت، تملک، نگهداری، توسعه، حمل، انتقال یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی منع کند.^۶ در واقع این قطعنامه تلاشی برای جلب توجه شورای امنیت به اتخاذ تدابیر و اقدامات عملی برای اجبار دولت‌ها به برخورد با تهدید ناشی از تحصیل و قاچاق مواد و فناوری‌های مرتبط با تسلیحات کشتار جمعی توسط بازیگران غیردولتی و گروه‌های تروریستی است (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۷). همچنین شورای امنیت در سال ۲۰۱۷ قطعنامه ۲۳۷۰ را تصویب کرده

1. resolution 1546 on 8 June 2004
2. resolution 1493 on 28 July 2003
3. resolution 1701 on 11 August 2006
4. resolution 1011 on 16 August 1995
5. resolution 1744 on 21 February 2007
6. UN Security Council Resolution 1540 on 28 April 2004

است که انتقال تسلیحات کوچک و سبک، تجهیزات نظامی، پهپادها و تجهیزات مربوط را به گروه‌های تروریستی داعش، القاعده، گروه‌های مرتبط با آنها و دیگر گروه‌های مسلح غیرقانونی محکوم می‌کند و از کشورهای عضو می‌خواهد تا مانع از تجهیز آنان شوند و شبکه‌های تأمین تسلیحات را منهدم کنند (Katji & Cassius, 2018: 91-92).

۲.۳. اسناد منطقه‌ای مرتبط با منع انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی

در این زمینه دو سند مهم منطقه‌ای در قاره آفریقا وجود دارد که مربوط به ممنوعیت انتقال سلاح‌های سبک و کوچک به گروه‌های غیردولتی و حاوی تعریف از آنها هستند.

الف) کنوانسیون جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در خصوص سلاح‌های کوچک و سلاح‌های سبک، مهمات آنها و سایر مواد مرتبط^۱؛ این کنوانسیون بیان می‌کند: «کشورهای عضو بدون استثنا، انتقال سلاح‌های سبک و کوچک به گروه‌های غیردولتی را ممنوع می‌کنند که به‌صراحت توسط عضو واردکننده مجاز نیستند»؛ ضمن اینکه گروه‌های غیردولتی را چنین تعریف می‌کند: «هر گروه غیر از گروه‌های دولتی از جمله مزدوران، شبه‌نظامیان مسلح، گروه‌های شورشی مسلح و شرکت‌های خصوصی امنیتی»^۲. هرچند تعریفی از گروه‌های دولتی به‌طور شفاف ارائه نمی‌دهد.

ب) کنوانسیون آفریقای مرکزی برای کنترل سلاح‌های کوچک و سلاح‌های سبک، مهمات، قطعات و اجزای آنها که می‌توانند برای ساخت، تعمیر و مونتاژ به‌کار روند (Kinshasa Convention, 2010)؛ کنوانسیون بیان می‌کند که «کشورهای عضو هرگونه انتقال سلاح‌های سبک و کوچک، مهمات و کلیه قطعات و اجزای قابل استفاده برای ساخت، تعمیر و مونتاژ آنها را از طریق و از سرزمین‌های مربوطه خود به گروه‌های مسلح غیردولتی ممنوع می‌کنند». با مقایسه تعاریف دو کنوانسیون مشخص می‌شود که اصطلاحات به‌کاررفته در کنوانسیون آفریقای مرکزی محدودتر از کنوانسیون جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا است، چراکه در آن فقط به گروه‌های مسلح غیردولتی اشاره شده است. همچنین این کنوانسیون با تعریف گروه مسلح غیردولتی شفافیت بیشتری را این‌گونه ارائه می‌دهد: «گروهی که می‌تواند به‌طور بالقوه از سلاح به‌عنوان بخشی از کاربرد زور برای دستیابی به اهداف سیاسی، عقیدتی یا اقتصادی استفاده کند، اما بخشی از استقرار رسمی نظامی یک دولت، وابسته به دولت یا سازمان بین‌دولتی کشوری نبوده و دولت هیچ کنترلی بر آن ندارد»^۳.

1. ECOWAS convention on Small Arms and Light Weapons, their Ammunition and other related materials.

2. ECOWAS Convention 2006, Article 3(2).2 & 1(10).

3. Central African Convention for the Control of Small Arms and Light Weapons, their Ammunition, Parts and Components that can be used for their Manufacture, Repair and Assembly, (Kinshasa

۳.۳. ممنوعیت انتقال سلاح در معاهده تجارت اسلحه

معاهده تجارت اسلحه استانداردهای مشترکی را برای تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف ایجاد کرده و به دنبال تضمین عدم استفاده از سلاح در ارتکاب جنایات جنگی، نقض جدی قوانین بین‌المللی حقوق بشر و سایر جرائم است. هرچند یکی از نقدهای جدی، بی‌توجهی به مسئله انتقال سلاح توسط دولت‌ها به گروه‌های غیردولتی است. با وجود این معاهده تجارت اسلحه در مواد ۶ و ۷ که در حقیقت قلب معاهده محسوب می‌شود، معیارهایی را برای ارزیابی مسئولیت احتمالی دولت‌ها تعیین کرده است. ماده ۶ ممنوعیت مطلق و الزامات انجام ارزیابی ریسک را تعیین می‌کند و ماده ۷ به لزوم اتخاذ قضاوت اختیاری می‌پردازد (Kendall & Silva, 2016: 417). با اینکه معاهده تجارت اسلحه (در ماده ۶) یک فرایند دومرحله‌ای برای تأیید صادرات را تجویز می‌کند -ممنوعیت‌ها و ارزیابی خطر- اما تصمیماتی که بازتاب پیچیده‌تری را نشان می‌دهند (اتخاذ قضاوت اختیاری)، تصمیماتی هستند که از نظر سیاسی انعطاف‌پذیرند و به عوامل ذکر شده در ماده ۷ مربوط می‌شوند (Nave, 2019: 313). از این رو به تحلیل مواد یادشده می‌پردازیم.

۱.۳.۳. ممنوعیت‌های مطلق مندرج در ماده ۶ معاهده تجارت اسلحه

ماده ۶ به یکی از مهم‌ترین عناصر معاهده یعنی ممنوعیت‌ها اشاره کرده و استانداردهایی را مشخص می‌کند که تجارت تسلیحات متعارف باید در سطح جهانی آزمایش شود. مطابق این ماده، کشورهای عضو معاهده تجارت اسلحه هیچ‌گونه انتقال (واردات، صادرات، دلالی یا ترانزیت) تسلیحات متعارف، مهمات، قطعات و اجزا را مجاز نخواهند داشت، در صورتی که:

۱. این انتقال ناقض تدابیر اتخاذشده در فصل ۷ منشور، به‌ویژه در خصوص تحریم‌های تسلیحاتی باشد؛
 ۲. این انتقال ناقض تعهدات بین‌المللی دولتی است که طرف آن معاهده باشد، به‌ویژه معاهداتی که مربوط به انتقال یا قاچاق غیرقانونی سلاح‌های متعارف است؛
 ۳. این انتقال باید به‌منظور تسهیل در ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، یا جنایات جنگی استفاده شود که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، حملاتی که علیه اشیای غیرنظامی یا غیرنظامی‌هایی که تحت حمایت قرار می‌گیرند یا سایر جنایات جنگی تعریف‌شده در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که دولت عضو آن است (Crovetto & Caponigro, 2016: 33).
- در این زمینه بند ۱ ماده ۶ معاهده تجارت اسلحه به تحریم‌های نظامی وضع‌شده از سوی شورای امنیت اشاره می‌کند. از این رو دولت‌ها ضمن الزام به رعایت مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت، اگر پس از ارزیابی‌های صورت‌گرفته احراز کنند که تسلیحات به نفع یا مقصد هریک از کشورهای تحت تحریم انتقال

داده خواهد شد، نباید مبادرت به صدور مجوز صادرات کنند. اقدام خلاف این بند از ماده ۶ نقض تعهد دولت‌ها مطابق ماده ۲۵ منشور ملل و بند ۱ ماده ۶ معاهده تجارت تسلیحات است. با وجود این به نظر می‌رسد صرف صدور تسلیحات به کشورها یا گروه‌های تحت تحریم از طرف شورای امنیت نقض تعهد دولت‌ها مبنی بر پیشگیری از جرائم بین‌المللی محسوب نمی‌شود و صدور چنین مجوزی باید مقرون به قصد و قراین مثبتۀ کافی در ارتکاب جرائم بین‌المللی یا توسل به آن باشد (De Hoogh, 1996: 179). ضمن اینکه مشکل اصلی تحقق تحریم جهانی انتقال تسلیحات به گروه‌های غیردولتی که تأییدیه خاصی از طرف دولت‌های دریافت‌کننده و تأمین‌کننده نگرفته‌اند، این است که در موارد نادری برخی دولت‌ها معتقدند امکان دارد چنین انتقالی در اصل توجیه شود (Greene et al., 2006: 2). از جمله در مواردی که یک دولت از انحصار نیروی خود علیه افراد و جوامع بی‌دفاع سوءاستفاده می‌کند (Smith, 2008: 51).

در ادامه بند ۲ ماده ۶ معاهده بر ممنوعیت صدور مجوز صادرات تسلیحات در مواردی اشاره دارد که این مجوز بر خلاف تعهدات دولت‌ها بر اساس معاهدات نقل و انتقال تسلیحات متعارف باشد، چراکه معاهده به منزله سندی جامع در خصوص کنترل تسلیحات متعارف، همه اسلاف خود را نیز در بر گرفته و از دولت‌های عضو معاهدات مرتبط قبلی خواسته است تا ضوابط مندرج در آنها را نیز در صدور مجوز صادرات تسلیحات مدنظر قرار دهند (Casey-Maslen, 2014: 36). بنابراین در ارزیابی حدود تعهد دولت‌ها به پیشگیری از جرائم بین‌المللی رعایت یا عدم رعایت ضوابط تعیین‌شده در اسناد مذکور (برای دولت‌های عضو) نیز باید مدنظر قرار گیرد. در نتیجه عمل به تعهد مبارزه با تولید و نقل و انتقال بین‌المللی غیرمجاز تسلیحات متعارف بخشی از تعهد دولت‌ها در پیشگیری از جرائم بین‌المللی و همچنین تعهد به همکاری در مبارزه با آن قلمداد می‌شود.

در نهایت بند ۳ ماده ۶ که مهم‌ترین مقررۀ بشردوستانه معاهده هم محسوب می‌شود، مقرر می‌دارد که مبادله سلاح، مهمات و قطعات ممنوع است؛ البته چنانچه دولت مبادله‌کننده «بداند» که این اقلام در ارتکاب ژنوساید، جنایت علیه بشریت، نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹، حمله علیه اشخاص و اهداف مورد حمایت یا سایر جنایات جنگی تعریف‌شده در معاهدات بین‌المللی که دولت عضو آن است، به کار می‌رود (عسکری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶۴). در واقع معیار اصلی ایجاد مسئولیت برای این تخلف، شرط «آگاهی» در زمان صدور مجوز است. آگاهی یک معیار حقوقی بوده که بالاتر از مسئولیت مطلق است، اما کمتر از الزامات حقوق کیفری بین‌المللی مبنی بر قصد کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه است (Kellman, 2014: 710-711).

۲.۳.۳. معیارهای ارزیابی ریسک در ماده ۷ معاهده تجارت اسلحه

معاهده تجارت اسلحه در ماده ۷ به تأسی از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بین‌المللی، نه تنها ارتکاب و نقض شدید، بلکه تسهیل جرائم علیه حقوق بشردوستانه از طریق مشارکت و مباشرت در صدور تسلیحات متعارف را ممنوع اعلام کرده است. به همین منظور معاهده تجارت اسلحه دولت‌ها را ملزم به ارزیابی ریسک می‌کند، از این رو «دولتی که بدون کنترل و ارزیابی (کسب آگاهی) اجازه صادرات محموله‌های تسلیحاتی را بدهد که در ارتکاب یا تسهیل جرائم بین‌المللی مؤثر واقع شود، تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرائم بین‌المللی را نقض کرده است» (حکیمی‌ها، ۱۳۹۵: ۱۰۱۶).

مطابق بند ۳ ماده ۷ معاهده تجارت اسلحه، در صورت وجود خطر جدی برای هریک از عواقب منفی ذکر شده در بند ۱ ماده ۷ معاهده، از جمله نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا انسانی، کشور صادرکننده از اجازه صادرات ممنوع است. در این زمینه هرچند معاهده هیچ راهنمایی‌ای در خصوص دامنه اطلاعاتی که کشورهای عضو باید در تشخیص احتمال نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه متکی باشند ارائه نمی‌دهد، اما گروه کاری دبیرخانه معاهده در خصوص اجرای مؤثر آن، فهرستی از اسناد مرجع احتمالی را که توسط دولت‌های عضو باید در ارزیابی ریسک تحت ماده ۷ در نظر گرفته شود، منتشر کرده است. این فهرست منابع گسترده‌ای از جمله مؤسسات تحقیقاتی، آژانس‌های سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی، گزارش‌های رسانه‌ای و قضاوت‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری را فراهم می‌کند. درحالی که این فهرست نشانه برخی منابع احتمالی است، اما می‌تواند به دولت‌های عضو و حوزه‌های انتخابیه داخلی آنها کمک کند تا ارزیابی ریسک دولت‌های خود را به چالش بکشند (Zwijssen, 2020: 159). به‌طور مثال گزارش سال ۲۰۱۷ کمیساریای عالی حقوق بشر حاوی فهرستی از عوامل پیشنهادی است که «می‌توانند مبنای ارزیابی خطرهای حقوق بشری» تحت ماده ۷ معاهده تجارت اسلحه باشند.^۱

بر اساس بند ۲ ماده ۷ معاهده، در صورتی که پس از ارزیابی احتمال استفاده از تسلیحات برای نقض شدید حقوق بشر یا جرائم احتمالی تحت کنوانسیون‌ها یا پروتکل‌های بین‌المللی مربوط به تروریسم، جنایات سازمان‌یافته بین‌المللی و همچنین خطر استفاده برای ارتکاب یا تسهیل اعمال جدی خشونت مبتنی بر جنسیت یا خشونت علیه کودکان وجود داشته باشد، دولت صادرکننده موظف است مانع صادرات تسلیحات شود (Gustavo, 2009: 117). البته در این زمینه اجماعی وجود ندارد مبنی بر اینکه چه مواردی نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد عبارت «شدید» حاکی از شدت و بزرگی نقض یا زیر سؤال بردن نوعی از حقوق بشر باشد. بنابراین هرگونه نقض حق حیات یا اعمال

1. UNHR Report Arms Transfers 2017, par. 38-41, 48

شکنجه ذاتاً شدید محسوب می‌شود، درحالی‌که انواع خاصی از سایر حقوق بشر باید به‌طور گسترده و مداومی نقض شوند تا نقض شدید حقوق بشر به حساب آیند (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۰۲). ازاین‌رو یک نقل و انتقال سلاح به‌طور بالقوه بر بهره‌مندی از حق‌های بشری که توسط معاهدات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی حمایت شده‌اند، تأثیر می‌گذارد (Alley, 2022: 6).

تعهد دیگری که بر اساس آن در ماده ۷ صدور مجوز صادرات ممنوع شده است، احتمال ارتکاب اعمال تروریستی مصرح در کنوانسیون‌های سیزده‌گانه مقابله با جرائم تروریستی، با استفاده از تسلیحات مشمول معاهده است. ازاین‌رو دولت‌های عضوی که به‌رغم تصریح ماده ۷ اقدام به صدور مجوز کرده‌اند که منتهی به استفاده از محموله‌های تسلیحاتی در اعمال تروریستی شود-ضمن نقض معاهده-تعهدات خود را ذیل اسناد بین‌المللی مبارزه با تروریسم نیز نقض کرده‌اند (نمونه بارز آن، ارتکاب جرائم بین‌المللی توسط گروه‌های تکفیری-تروریستی در خاورمیانه است).

همچنین ماده ۷ معاهده تجارت اسلحه، با ایجاد تعهداتی برای دولت صادرکننده و واردکننده تسلیحات، تعهد به همکاری در اسناد بین‌المللی را که سابقاً درباره کنترل تسلیحات به تصویب دولت‌ها رسیده بود، عینیت بیشتری بخشیده است. بر این اساس، دولت واردکننده یا مبدأ تسلیحات موظف است به محض درخواست دولت صادرکننده اطلاعات لازم را به‌منظور ارزیابی درخواست صدور مجوز در اختیار او قرار دهد. با اینکه معاهده اشاره دقیقی به نوع و میزان اطلاعات نکرده است، اما برخی عقیده دارند که اطلاعات باید حداقل آگاهی را برای ارزیابی ایجاد کند و تشخیص آن بر عهده دولت صادرکننده است، هرچند که دولت واردکننده در ارائه اطلاعات در حدود قوانین داخلی خود عمل خواهد کرد (Worster, 2014: 7). همچنین دولت صادرکننده تضمین خواهد کرد که همه مجوزهای صادرشده برای صادرات تسلیحات مسبوق به ارزیابی و بررسی‌های لازم است.^۱ ازاین‌رو در صورتی که پس از ارزیابی و توجه به اقدامات قابل دسترس کاهش دهنده ریسک صادرات، دولت صادرکننده یقین یافت که خطر برجسته و مهمی وجود دارد، نباید مجوز صادرات را ارائه کند (Clapham, 2013: 29). از طرفی در فرایند تجارت بین‌المللی تسلیحات، محموله‌ها ممکن است از قلمرو صلاحیت دولت‌های متعدد عبور کنند که بدون وصف اجباری و الزامی بودن همکاری دولت‌ها امکان کنترل تسلیحات فراهم نخواهد شد (Casey-Maslen, 2014: 36).

۴. ابعاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی

عمل متخلفانه بین‌المللی دولت ممکن است به ایجاد (تحقق) مسئولیت بین‌المللی منجر شود که در این صورت آثار و نتایجی را نیز به‌همراه دارد. ازاین‌رو دولت زیان‌دیده یا سایر دولت‌ها در شرایطی در برابر آن

1. Article 7 (5)

می‌توانند برای اعمال مسئولیت بین‌المللی واکنش نشان دهند. به همین منظور ابعاد مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی را در زمینه انتقال سلاح بررسی می‌کنیم.

۱.۴. شرایط تحقق مسئولیت بین‌المللی برای دولت انتقال‌دهنده سلاح

معاهده تجارت اسلحه به‌تنهایی رژیم حقوقی خاصی را برای تحقق مسئولیت دولت جهت هرگونه نقض تحت مفاد اصلی خود مشخص نکرده است، ازاین‌رو متن معاهده از طریق قواعد ثانویه از جمله طرح مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱) در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی پشتیبانی می‌شود. این قوانین شرایط پیش‌فرض مسئولیت دولت و همچنین پیامدهای قانونی مربوط را بیان کرده و بین تعدد دولت‌های مسئول و کمک یا مساعدت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی تمایز قائل شده است که به مسئولیت مشارکت خود دولت منجر می‌شود (Henderson, 2017: 168).

برای ایجاد مسئولیت بین‌المللی، عمل متخلفانه باید به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد (رکن فاعلی) و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود (رکن موضوعی). تنها رفتار قابل انتساب به دولت، فقط عمل ارگان‌ها و نهادهای دولتی آن هم در ظرفیت رسمی است. در نتیجه اعمال اشخاص خصوصی و شورشیان به دولت منتسب نمی‌شود. با این حال موقعیت‌هایی وجود دارد که اعمال آنان می‌تواند به کشوری که در قلمروش فعالیت می‌کنند یا به کشور دیگر منتسب شود.

حالت اول) قابلیت انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت بر اثر همکاری یا ترک فعل (مسئولیت مبتنی بر سببیت): در این صورت مسئولیت دولت ممکن است به دلایل ذیل باشد:

۱. وجود نوعی رابطه بین آنها؛ بر اساس ماده ۴ پیش‌نویس اعمال متخلفانه بخش خصوصی نیز به‌منزله اقدام دولت تلقی می‌شود، اگر طبق حقوق داخلی دولت مربوط چنین بخشی تحت اوامر آن عمل کرده باشد. ازاین‌رو برای ایجاد مسئولیت باید بین دولت در مظان اتهام و گروه متخلف رابطه آمریت و مأموریت متقن و روشن وجود داشته باشد (هنجری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۲).

۲. به‌عنوان عامل دولت؛ گاهی شخص یا نهادی که ارگان دولتی نیست (مانند شرکت‌های امنیتی خصوصی) با انعقاد قراردادی خاص با دولت، به‌جای آن وارد عمل می‌شود و به نمایندگی دست به اقداماتی می‌زند (ماده ۵ پیش‌نویس). در نتیجه اگر طی آن اعمال، تعهدات بین‌المللی نقض شوند، دولت زیان‌دیده می‌تواند مسئولیت نهایی را متوجه دولتی کند که آن را استخدام کرده است.

۳. قصور یا سهل‌انگاری دولت؛ گاهی دولت به‌دلیل انفعالش یعنی ترک فعل مسئولیت می‌یابد، چراکه دولت باید بر قلمروش تسلط داشته باشد و پیشگیری کند تا موازین حقوق بین‌الملل نقض نشود یا در صورتی که دولت در مقابل عمل مجرمانه، اقدام تنبیهی مناسب را به‌کار نگیرد و نسبت به آن قصور کند

یا گاهی دولت در قبال اقداماتی که گروه غیردولتی علیه دولت دیگر در سرزمینش انجام می‌دهد، بی‌تفاوت است. در مواقعی هم یک یا چند گروه مسلح (شورش یا غیرشورش) بر بخشی از قلمرو دولت کنترل اعمال می‌کنند (مواد ۹ و ۱۰ پیش‌نویس) و با استفاده از تسلیحات ارسالی به مقابله با دولت می‌پردازند، در این صورت دولت سرزمینی ملزم است تمامی اقدامات مناسب را که هنوز در حیطه صلاحیتش دارد، اتخاذ کند تا تعهدات خود را مطابق با حقوق بشر ایفا کند. در جرائم علیه حقوق بشر اگر تدابیر لازم و متعارف در زمینه پیشگیری و حمایت از شهروندان در مقابل تعرض گروه‌های غیردولتی اتخاذ نشود، امکان انتساب جرائم ارتکاب‌یافته به دولت متبوع شهروندان وجود دارد (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۳: ۴۳). اما اگر دولت از مبارزه با آنها ناتوان باشد و تلاش کافی را در این زمینه انجام دهد، نه فقط مسئول نیست، بلکه باید از سوی جامعه جهانی حمایت شود.

هرچند اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها (و همچنین عدم توسل به زور، حق دفاع مشروع و ...) در بخشی به‌عنوان اصول در معاهده تجارت اسلحه و منشور ملل متحد گنجانده شده و اصلی مرتبط با مفهوم حاکمیت دولت‌هاست؛ یعنی اگر دولتی دارای کنترل کاملی در امور در داخلی خود باشد، مصون از مداخله سایر دولت‌ها خواهد بود، اما رویه سازمان ملل نشان می‌دهد که حاکمیت هر دولت در امور داخلی خود تا آنجا که با حقوق سایر دولت‌ها برخورد می‌کند یا یکی از حقوق اساسی انسان را تهدید می‌کند، محدودیت دارد (فقیه حبیبی ۱۳۹۵: ۸۹). در این زمینه ایده «حاکمیت به‌مثابه مسئولیت» بیان می‌کند، حاکمیت تعهداتی در قبال تابعان خود و جامعه بین‌المللی دارد که در صورت نقض یا عدم ایفای تعهداتش دارای مسئولیت خواهد بود. بنابراین مسئولیت حمایت، ارائه راهکاری است که جایگزینی مناسبی برای «مداخله بشردوستانه» باشد. از این رو در سطح داخلی، حاکمیت کشور ملزم به حمایت از اتباعش است و در سطح خارجی، در برابر جامعه بین‌المللی مسئولیت می‌یابد که عدم ایفای چنین مسئولیتی می‌تواند مجوزی برای اقدامات بین‌المللی در زمینه نقض گسترده حقوق بشر فراهم سازد. در نتیجه هنگامی که پیشگیری یا اقدامات دولت بی‌ثمر بماند، آنگاه جامعه بین‌المللی از طریق سازمان ملل مسئولیت می‌یابد تا از طریق تدابیر مقرر در فصول ۶، ۷ و ۸ منشور به بحران رخ داده واکنش به‌موقع نشان دهد و به افراد در مقابل چهار جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، پاکسازی قومی و جنایات جنگی یاری برساند (G.A.Res/60/1, 2005).

حالت دوم) قابلیت انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت دیگر در اثر هدایت و کنترل (مسئولیت نیابتی)؛ مطابق ماده ۸ پیش‌نویس، اعمال اشخاص خصوصی این قابلیت را دارد که به کشور دیگر منتسب شود، اگر آنان طبق دستور، تحت هدایت یا کنترل کشور دیگر عمل کنند. در خصوص تعیین معیار و ضابطه کنترل بین مراجع قضایی تفاوت وجود دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نیکاراگوئه (ICJ

(ICJ Reports 1986: Para. 115 و بوسنی (ICJ Reports 2007: Para. 408-412) آستانه بالایی را برای انتساب رفتار یک بازیگر غیردولتی به یک دولت در نظر گرفته و از معیار کنترل مؤثر استفاده کرده است، اما شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در رأی تادیچ (ICTY, 1999: Para. 117) معیار کنترل کلی را به کار بست که آستانه پایینی دارد. بنابراین امروزه در خصوص ضابطه کنترل قائل به تفکیک‌اند. هنگامی که درصددند نوع یک مخاصمه را برای رسیدگی به مسئولیت کیفری افراد بررسی کنند، معیار کنترل کلی را به کار می‌برند، اما برای انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت و تعیین مسئولیت بین‌المللی آن از ضابطه کنترل مؤثر استفاده می‌کنند. با وجود این، امروزه گروه‌های غیردولتی (مانند داعش و القاعده) خود داعیه استقلال دارند و همواره تحت کنترل و هدایت دولت‌ها نیستند، بلکه در مواقعی در عرض هم قرار می‌گیرند و دولت‌ها بدون آنکه کنترلی بر آنها داشته باشند، در راستای اهدافشان به آنها کمک مالی، نظامی و اطلاعاتی می‌کنند. از این رو بر اساس معیار کنترل مؤثر که آستانه بالایی دارد، انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت ارسال‌کننده سلاح بسیار دشوار و پیچیده است، چراکه ارتباط میان دولت و گروه غیردولتی باید به گونه‌ای باشد که کاملاً متکی به دولت و تحت کنترل او باشد. بنابراین در چنین مواقعی می‌توان از مسئولیت مبتنی بر کمک و مساعدت (معاونت) استفاده کرد.

حالت سوم) قابلیت انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت ناشی کمک یا مساعدت (مسئولیت مبتنی بر معاونت)؛ رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی بر مفهوم «مسئولیت مستقل» استوار است، اما وضعیت‌های مشمول در فصل چهارم از بخش اول طرح پیش‌نویس که به مسئولیت دولت در رابطه با عمل متخلفانه دولت دیگر می‌پردازد، ویژگی‌های خاصی دارند که استثنائات اصل مسئولیت مستقل‌اند و از آنها با عنوان «مسئولیت اشتقاقی» یاد می‌شود. در این میان، ماده ۱۶ که به کمک یا مساعدت می‌پردازد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (حدادی، ۱۳۹۷: ۴). اما از آنجا که این ماده فقط در خصوص کمک دولت به دولت دیگر در یک عمل متخلفانه بین‌المللی اعمال می‌شود، از این رو در ارتباط با گروه‌های غیردولتی کاربرد ندارد (Graefrath 1996: 371)، چراکه دولت تنها در صورتی مسئول بین‌المللی کمک به یک گروه غیردولتی خواهد بود که اعمال آن گروه قابل انتساب به دولت دیگر باشد.

با وجود این، ماده ۱۶ در زمینه کمک یا مساعدت دولت به بازیگران غیردولتی در مواردی که بازیگران غیردولتی مقررات بین‌المللی را نقض کردند، به قیاس مورد استناد قرار گرفته است. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری، ماهیت عرفی مسئولیت مبتنی بر کمک یا مساعدت را در پرونده نسل‌کشی بوسنی (۲۰۰۷) تأیید کرده است (ICJ Reports 2007: Para. 420). در واقع دیوان اذعان کرده است: «رویه‌های دولتی و نظر علمای حقوق به اندازه کافی در خصوص کمک یا مساعدت وجود دارد تا ماده

۱۶ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک هنجار عرفی (الزام‌آور) حقوق بین‌الملل تلقی شود» (Lanovoy, 2014: 5). از طرفی با توجه به اینکه معاهده تجارت اسلحه رویه نوین دولت را تشکیل می‌دهد، دارای این ظرفیت است تا بر ارزیابی مسئولیت یک دولت برای کمک یا مساعدت تأثیر بگذارد. از این‌رو بین مواد ۶ و ۷ معاهده با ماده ۱۶ مسئولیت دولت، رابطه کمک یا مساعدت وجود دارد. بنابراین برای انتساب اعمال گروه‌های غیردولتی به دولت ارسال‌کننده سلاح به‌سبب کمک و مساعدت، احراز سه شرط (رکن) به‌طور همزمان لازم است: نخست) کمک یا مساعدت باید به‌منظور تسهیل ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی باشد و نیازی نیست که در انجام آن نقش اساسی داشته باشد؛ دوم) دولت کمک یا مساعدت‌کننده بداند و آگاهی داشته باشد که تسلیحاتی که انتقال می‌دهد، در جهت عمل متخلفانه بین‌المللی استفاده خواهد شد؛ و سوم) تعهد نقض‌شده به‌گونه‌ای باشد که اگر توسط خود دولت کمک‌کننده هم صورت گرفته بود، عمل متخلفانه قلمداد می‌شد (ستایش‌پور و عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۵۸). با توجه به اینکه موضوع تحقیق حاضر به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی از طریق انتقال تسلیحات می‌پردازد (مسئولیت مبتنی بر معاونت)، از این‌رو بر اساس معاهدات مربوط، حقوق بین‌الملل عرفی و تعهدات عام‌الشمول^۱ که تعهدات متعددی را در زمینه فعالیت‌های تجارت اسلحه ایجاد می‌کنند، به‌طور تفصیلی آن را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

۱.۴. کمک یا مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی (رکن مادی)

هرچند کمیسیون حقوق بین‌الملل دو مفهوم «کمک» یا «مساعدت» را تعریف نکرده است، اما بر خلاف مباشرت در عمل متخلفانه بین‌المللی که مستلزم دخالت و ارتکاب مستقیم است، در معاونت به شکل کمک یا مساعدت، دولت متخلف صرفاً نقش پشتیبانی دارد. به‌طور کلی، هر عملی که وقوع تخلف بین‌المللی را تسهیل کند، ممکن است کمک یا مساعدت به حساب آید. از این‌رو هیچ‌گونه محدودیتی در شکل کمک یا همراهی وجود ندارد و در نتیجه هر کمک یا مساعدتی (مانند تأمین تسلیحات، مهمات، تجهیزات و ... یا حتی به شکل حقوقی یا سیاسی) با جمیع شرایط دیگر ممکن است رکن مادی ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت دولت باشد (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

در این زمینه برای احراز مسئولیت دولت‌های ارسال‌کننده سلاح به گروه‌های غیردولتی، انتقال تسلیحات متعارف باید کمک شایان توجهی به ارتکاب یا تسهیل جنایات بین‌المللی داشته باشد؛ یعنی ارتکاب آنها را به‌طور قابل چشمگیری تسهیل کند، هرچند ضروری نیست اثبات اینکه آن سلاح‌ها واقعاً برای ارتکاب جنایات وحشیانه استفاده شده‌اند (Henderson, 2017: 168). از این‌رو مطابق با ماده ۶

1. Erga Omnes

معاهده تجارت اسلحه، دولت‌های عضو مجاز به هرگونه انتقال سلاح‌های متعارف یا مهمات، قطعات یا اجزای آنها نیستند، در صورتی که این انتقال ناقض تعهداتشان از فصل هفتم منشور یا تعهداتشان در توافقنامه‌های بین‌المللی باشد یا اگر اطلاع داشتند که از این سلاح‌ها در ارتکاب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو، حمله به غیرنظامیان یا سایر جنایات جنگی استفاده می‌شود. همچنین اگر ماده ۶ قابل اجرا نباشد، ماده ۷ کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا احتمال اینکه سلاح‌های متعارف یا اقلام مرتبط، صلح و امنیت را تضعیف کنند یا برای ارتکاب یا تسهیل نقض جدی حقوق بشردوستانه یا حقوق بشر به کار روند یا اعمالی که تروریسم یا جنایات سازمان‌یافته فراملی را تشکیل می‌دهند، ارزیابی کنند. با وجود این، مسئله اجرا و نظارت مطابق با معاهده همچنان باقی است، زیرا پیش از هر ادعایی در زمینه مقررات مربوط به مسئولیت دولت، باید ابتدا نقض آن از طریق قوانین ملی شناسایی و رسیدگی شود. به همین منظور معاهده در حوزه قوانین داخلی حاکم بر تجارت تسلیحات دخالت نکرده و بر مشروعیت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و بازرگانی ملی کشورها در تجارت تسلیحات بر اساس صلاحیت ملی و قوانین داخلی تأکید می‌کند (Crovetto & Caponigro, 2016: 31).

بنابراین معاهده تجارت اسلحه به‌عنوان یک معاهده جهانی که باید توسط همه کشورهای عضو سازمان ملل امضا شود، از یک طرف، کشورهایمانند سوریه را برای خرید و فروش تسلیحات به رسمیت می‌شناسد و از طرف دیگر، کشورهای دیگر (مانند هلند) را ملزم به ایجاد سیستم‌های مؤثر کنترل واردات و صادرات می‌کند تا پیامدهای حقوق بشری انتقال تسلیحات را در نظر بگیرد. اما معضل ذاتی مربوط به آن است که معاهده با قدرت بیشتری در خصوص کشورهایی که قانونمندان تا کشورهای غیرقانونمند اعمال می‌شود، چراکه وانمود کرده تجارت بین‌المللی اسلحه را تنظیم می‌کنند (Bromund, 2012: 2). همچنین معاهده از کشورهای امضاکننده می‌خواهد تا هم اقدامات خود را برای اجرای معاهده ظرف یک سال و هم واردات و صادرات سلاح‌های متعارف تحت پوشش ماده ۲ (۱) را گزارش کنند.^۱ هرچند دولت‌ها هیچ الگوی گزارش‌دهی یکسانی را برای آن نکات کلیدی اتخاذ نکردند، به‌طوری‌که می‌توانند معیارهای دلخواهی را برای درج در گزارش خود انتخاب کنند. ضمن اینکه با توجه به تصمیم‌گیری دولت‌ها در خصوص انتخاب اطلاعات برای ارائه و نحوه آن - بدون فرمت یکسان گزارش‌دهی - نظارت بر تجارت تسلیحات هر دولت نسبتاً دشوار شده و مقایسه گزارش‌ها و درک خلأ یا مهم‌تر از همه تمرکز ساخت تسلیحات محقق نمی‌شود. در نتیجه اساساً اهداف معاهده را به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین برای تجارت بین‌المللی تسلیحات ناکام می‌گذارد. افزون بر این حتی اگر تخلفی از اجرای ملی معاهده گزارش شود، اجرای آن به نهاد ملی بستگی دارد، چراکه نقض آن به مفهوم ماده ۲

پیش‌نویس مسئولیت دولت، یک اقدام متخلفانه بین‌المللی محسوب نمی‌شود. در نهایت اینکه حتی دولت‌های شفاف‌تر (مانند آلمان یا هلند) اطلاعات کافی را به‌موقع ارائه نمی‌دهند، از این‌رو نمی‌توان انتظار چندانی داشت که دولت‌ها از اراده لازم برای اجرای کامل و مؤثر معاهده برخوردار باشند.

۲.۴. آگاهی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی (رکن ذهنی)

ماده ۱۶ (ب) مسئولیت دولت با تقریر «آگاهی از شرایط تخلف بین‌المللی»، بیانگر رکن ذهنی مندرج در مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت شده است. با وجود این، در خصوص «حدود آگاهی» ابهامات بسیاری وجود دارد. مسئله دیگر «میزان» دخالت «عنصر ذهنی» در تحقق این نوع از مسئولیت است، چراکه از یک طرف، کمیسیون مشخص نکرده است که برای تحقق مسئولیت، دولت مساعدت‌کننده باید آگاه باشد که «دقیقاً» قرار است چه تخلفی رخ دهد یا صرف اطلاع از وقوع آن، کفایت می‌کند؟ از طرف دیگر، ضرورت وجود «قصد» وقوع تخلف از جانب دولت مساعدت‌کننده است. در این زمینه تفسیرهای گوناگونی از میزان دخالت عنصر ذهنی در تحقق چنین مسئولیتی وجود دارد. بیشتر قضات دیوان در پرونده اجرای کنوانسیون نسل‌کشی به معیار با آستانه بالا اعتقاد داشتند، به‌طوری‌که شرط تحقق معاونت «آگاهی کامل» از وقوع فعل متخلفانه است. افزون بر این، یافته‌های دیوان حاکی از آن بود که اگر قرار باشد ارگان یک دولت در وقوع نسل‌کشی، کمک یا همراهی کرده باشد، باید «حداقل» عمل «آگاهانه‌ای» از آن سر بزنند. با اینکه کفایت عامل «آگاهی» (چه به‌صورت صریح و چه به‌صورت حکمی) و عدم ضرورت وجود عامل «قصد» هم در رویه قضایی و هم در رویه دولت‌ها، حمایت‌هایی را کسب کرده است، اما در موارد تردید باید از چارچوب اصلی کار کمیسیون بر مسئولیت بین‌المللی دولت کمک گرفت که مبتنی بر عینی بودن مسئولیت و فاصله‌گیری از عنصر قصد و اراده است. بنابراین باید آستانه کمتری را که همان آگاهی «ضمنی یا حکمی» (بداند یا باید می‌دانست) است، کافی دانست (عزیزی و کریمی، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۹).

در این خصوص ماده ۶ (۳) معاهده تجارت اسلحه انتقال سلاح را ممنوع کرده است، اگر دولت انتقال‌دهنده آگاهی داشته باشد که از آنها در ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی استفاده می‌شود. از این‌رو معاهده (در ماده ۷) دولت‌ها را در زمان صدور مجوز صادرات ملزم به ارزیابی ریسک می‌کند تا در صورت احتمال وجود خطر جدی برای نقض حقوق بشر یا بشردوستانه از انتقال تسلیحات خودداری ورزند. به همین دلیل دولت صادرکننده تضمین خواهد کرد که مجوزهای صادره مسبوق به ارزیابی و بررسی‌های انجام‌گرفته است. در نتیجه دولتی که از وقوع عمل متخلفانه آگاهی داشته باشد یا آنکه در وضعیت‌هایی خاص باید آگاهی می‌داشت و با وجود این آگاهی (تحقق رکن ذهنی)، با انتقال سلاح به دولت دیگر یا گروه‌های

غیردولتی در ارتکاب یا تسهیل عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند - حتی بدون آنکه قصد سوئی داشته باشد - تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرائم بین‌المللی را نقض می‌کند و دچار مسئولیت بین‌المللی می‌شود، چراکه در این صورت دولت انتقال‌دهنده به‌منزله معاون یا مساعدت‌کننده تلقی می‌شود.

۳.۴. التزام هر دو طرف (مساعدت‌کننده و مباشر عمل) به تعهد نقض‌شده (رکن قانونی)

پیش‌نویس مسئولیت در ماده ۱۶ (ب)، احراز مسئولیت بین‌المللی دولت کمک یا مساعدت‌کننده را مشروط به آن می‌داند که عمل انجام‌گرفته، همزمان نقض تعهدات دولت مباشر و مساعدت‌کننده باشد، «چراکه یک دولت نمی‌تواند کاری را که خود نباید مرتکب شود توسط دولت دیگری انجام دهد. ضمن اینکه هیچ دولتی در قبال دولت ثالث بابت تعهدات دولت دیگر ملزم نیست». بنابراین باید پرسید که مباشر عمل و دولت مساعدت‌کننده، متعهد به منع استفاده از این تسلیحات هستند؟

از طرفی، در صورتی که این تسلیحات، صلح و امنیت بین‌المللی را تضعیف کنند یا با نقض جدی حقوق بشر و بشردوستانه در ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو، سایر جنایات جنگی یا اعمالی تروریستی یا جنایات سازمان‌یافته فراملی استفاده شود، موجب نقض تعهدات مندرج در منشور و سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط می‌شود. همچنین رفتار خلاف تعهدات مذکور در معاهده تجارت اسلحه، علاوه بر اینکه نقض آن به حساب می‌آید، ممکن است نقض تعهد دولت‌ها در پیشگیری و همکاری در مبارزه با جرائم بین‌المللی نیز تلقی شود و مسئولیت دولت کمک یا مساعدت‌کننده را به‌همراه داشته باشد. در واقع زمانی که دولتی تسلیحات نظامی برای دولت یا گروهی دیگر فراهم می‌کند، بدین معناست که این سلاح‌ها می‌توانند در درگیری‌های مسلحانه یا سایر جرائم به کار روند. از آنجا که طبق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو دولت‌ها متعهد به احترام گذاشتن و اطمینان از احترام در قبال حقوق بشردوستانه هستند، برای اطمینان از اینکه نقض حقوق بشردوستانه از طریق دسترسی خارج از قاعده به تسلیحات و مهمات تسهیل نشده باشد، تصمیم به نقل و انتقال تسلیحات باید شامل شواهدی مبنی بر اینکه دریافت‌کننده آن به حقوق بشردوستانه احترام می‌گذارد نیز وجود داشته باشد (محمودی و صداقت، ۱۳۹۴: ۲۲۸). از این رو تجارت اسلحه با دولت‌ها یا گروه‌های ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در محدوده معاهده تجارت اسلحه قرار می‌گیرد و یک عمل متخلفانه بین‌المللی است که بر اساس نظر اکثریت، دولت در قبال چنین اعمالی مسئولیت کامل دارد.

از طرف دیگر، امروزه پذیرفته شده که حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای نیروهای مسلح سازمان‌یافته الزام‌آور است، چراکه اگر این گروه‌ها به اندازه کافی سازماندهی شده باشند، آنها نیز به‌عنوان یک طرف مخاصمه مسلحانه متعهد و ملتزم به حقوق بشردوستانه معاهده‌ای و عرفی هستند (Nieto-Navai, 2010).

64). همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، اعتقاد دارد تکلیف شورشیان به رعایت حقوق بشر و بشردوستانه برای این است که افراد هم در سطح بین‌المللی، طرف حق و تکلیف قرار می‌گیرند (Bothe, 1996: 303). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، بارها به تعهد نیروهای کنترا به رعایت ماده ۳ مشترک اشاره کرده است (ICJ Reports, 1986: Para. 116). ضمن اینکه بنیاد حقوق بین‌الملل طی قطعنامه اجلاس برلین (۱۹۹۹) در خصوص تعهد دولت‌ها و موجودیت‌های غیردولتی به رعایت حقوق بشر اظهار کرده است: «... هر دولت و هر موجودیت غیردولتی شرکت‌کننده در درگیری‌های مسلحانه، از نظر حقوقی در برابر دیگران و همه اعضای جامعه بین‌المللی، مسئول رعایت حقوق بشردوستانه در تمامی شرایط است... و نمی‌تواند از تعهداتش در این خصوص بگریزد...». بنابراین نقض چنین تعهداتی می‌تواند مسئولیت دولت یا گروه‌های غیردولتی را به‌همراه داشته باشد.

۵. آثار و نتایج مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از انتقال سلاح

عمل متخلفانه بین‌المللی دولت ممکن است به ایجاد مسئولیت بین‌المللی منجر شود که در این صورت آثار و نتایجی را به‌همراه دارد، به‌ویژه در جایی که آن آثار به توقف عمل و جبران خسارت مربوط است. در صورتی که عمل متخلفانه بین‌المللی نقض شدید ناشی از تعهد در قبال یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل باشد، نقض مزبور آثار و نتایج دیگری را هم برای دولت مسئول و هم سایر دولت‌ها ایجاد می‌کند. مطابق اصل «مسئولیت عینی»، هنگامی که یک عمل غیرقانونی که موجب خسارت یا صدمه می‌شود توسط یک عامل دولت انجام شود، آن دولت در حقوق بین‌الملل در قبال دولت خسارت‌دیده - صرف‌نظر از حسن‌نیت یا سوءنیت - خود مسئول خواهد بود. در مقابل، «مسئولیت ذهنی» تأکید می‌کند که یک عنصر رفتار عمدی یا سهل‌انگارانه از طرف شخص مربوطه ضروری است، پیش از اینکه دولت او مسئول آسیب ناشی از آن شود (Shaw, 2014: 569). از این‌رو شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده «وسیلجویچ»^۱ (ICTY, 2004: Para. 29) از هر دو اصل جهت تفکیک بین معاون و مرتکب استفاده کرده است (سبحانی و باقری، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

در این خصوص ماده ۴۷ طرح مسئولیت، امکان مسئول دانستن دو یا چند دولت در برابر زیان واحد را مطرح کرده است (ILC Ybook, 2001(II,2): 124). همچنین در شرح و تفسیر کمیسیون از قسمت «ب» بند ۲ ماده ۴۷ آمده است که اگر بیش از یک دولت، مسئول زیان واحد باشند، مسئله نقش آنها در این صدمه مطرح می‌شود. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده، تنها تا اندازه‌ای مسئول است که رفتارش موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، چراکه بر اساس ماده ۱۶، مسئولیت اصلی بر

1. Vasiljevic

عهده دولت مباشر است و دولت کمک‌کننده، صرفاً نقش حمایتی دارد (ستایش‌پور و عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). در این زمینه معاهده تجارت اسلحه نیز تعهداتی بین‌المللی ایجاد کرده است که کشور امضاکننده باید از آن تبعیت کند و در صورت نادیده گرفتن چنین تعهداتی، به جبران خسارت منجر خواهد شد. به همین منظور دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دعاوی منطقه اسپانیایی مراکش^۱ بیان می‌کند «مسئولیت نتیجه ضروری یک حق است. نقض تعهدات بین‌المللی مستلزم مسئولیت بین‌المللی است. مسئولیت به وظیفه جبران خسارت در صورت عدم اجرای تعهد موردنظر منجر می‌شود...» (Shaw, 2014: 566). بنابراین تعهد به جبران خسارت، محتوی اصلی مسئولیت بین‌المللی است که در اشکال مختلف به اجرا درمی‌آید و هریک از آنها (اعاده به حالت سابق، غرامت و جلب رضایت) کارکرد خاصی دارد.

۶. اعمال مسئولیت بین‌المللی علیه دولت کمک یا مساعدت‌کننده

مسئولیت بین‌المللی موجب می‌شود تا استناد به مسئولیت نه تنها توسط دولت زیان‌دیده، بلکه در شرایطی توسط سایر دولت‌ها (ذی‌نفع تعهد) نیز صورت گیرد. از جمله شیوه‌های اجرای استناد در صورت لزوم، اقامه دعا نزد مراجع قضایی بین‌المللی یا مبادرت به اقدامات متقابل است.

۱.۶. استناد به مسئولیت توسط دولت زیان‌دیده یا سایر دولت‌ها

گاهی نقض تعهدات بین‌المللی مربوط به تعهدات دوجانبه است که طرف زیان‌دیده مشخص است، اما گاهی تعهداتی نقض می‌شوند که به دلیل «اهمیت حقوق ذی‌ربط» تمامی دولت‌ها در حمایت از آنها دارای نفع حقوقی‌اند، در نتیجه موجب مسئولیت در برابر چندین یا بسیاری از دولت‌ها یا حتی در قبال جامعه بین‌المللی در کل می‌شود. مواد ۴۲ و ۴۸ طرح مسئولیت (۲۰۰۱) به دولت‌های زیان‌دیده و ذی‌نفع اشاره دارد که می‌توانند به مسئولیت دولت دیگر استناد کنند. مطابق بند «الف» ماده ۴۲، دولتی «زیان‌دیده» محسوب می‌شود که تعهد نقض شده شخصاً در قبال او وجود داشته باشد، از این‌رو برای اینکه دولتی بتواند از جانب خویش به مسئولیت دولت دیگر استناد کند، باید حق خاصی بدین‌منظور داشته باشد. ضمن اینکه بند «ب» ماده ۴۲ به صدمه و آسیبی می‌پردازد که از نقض تعهدات جمعی ایجاد می‌شوند، یعنی تعهداتی که مخاطب آنها گروهی از دولت‌ها یا حتی جامعه بین‌المللی در کل است. در مقابل طبق بند ۱ ماده ۴۸، دولتی که حق استناد به مسئولیت دارد، به‌عنوان گروهی از دولت‌های ذی‌نفع تعهد یا به‌عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی در کل اقدام می‌کند. هرچند دولت‌های زیان‌دیده و غیر زیان‌دیده از حیث حق استناد به مسئولیت در یک راستا قرار دارند، با این حال استناد به مسئولیت بر

1. Great Britain v. Spain (1924); II RIAA, p. 615

اساس ماده ۴۸ درجه محدودتری از حقوق را در مقایسه با ماده ۴۲ ایجاد می‌کند، چراکه بر اساس بند ۲ ماده ۴۸ هر دولت حق دارد توقف عمل متخلفانه را درخواست و چنانچه اوضاع و احوال ایجاب کند، تأمین و تضمین عدم تکرار بر اساس ماده ۳۰ را بخواهد، اما ادعای جبران خسارت طبق بند ۲ (ب) به نفع دولت زیان‌دیده یا ذی‌نفع‌های تعهد نقض شده محدود شده است (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۲: ۲۳۵-۲۴۳). در این زمینه نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و آپارتاید از جمله اقداماتی است که اگر توسط گروه‌های غیردولتی رخ دهد، هر دولتی می‌تواند به مسئولیت دولت مساعدت‌کننده استناد کند و از آن دولت بخواهد که بر اساس تعهدات خود عمل کند.

۲.۶. اقامه دعوا نزد مراجع قضایی بین‌المللی

دولتی که بر خلاف موضوع و هدف معاهده عمل کند، موجبات افزایش قاذق تسلیحات را فراهم می‌سازد که چنین رفتاری به‌نحوی معاونت و همکاری در ارتکاب جرائم بین‌المللی تلقی می‌شود، از این‌رو امکان طرح مسئولیت حقوقی و کیفری بین‌المللی در مراجع قضایی صالح وجود خواهد داشت. بنابراین دولت زیان‌دیده یا سایر دولت‌ها می‌توانند مبادرت به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری کنند. در رویه محاکم بین‌المللی کیفری هم موارد متعددی از محکومیت افراد تحت عنوان کمک و مساعدت در ارتکاب جنایات بین‌المللی از طریق تأمین سلاح و مهمات یافت می‌شود. در دومین پیش‌نویس در خصوص جنایات علیه صلح و امنیت بشریت (۱۹۹۶)، مسئولیت کیفری در مواردی که فرد آگاهانه، کمک و مساعدت یا به‌نوعی همکاری، مستقیم و مهم، در ارتکاب چنین جنایاتی کند، شناسایی شده است (عسکری و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

۳.۶. اقدامات متقابل برای تضمین توقف عمل متخلفانه و جبران آثار و عواقب آن

در صورت نقض تعهدات بین‌المللی یا به‌منظور توقف آن، اقدامات متقابل می‌تواند توسط دولت زیان‌دیده (مطابق با ماده ۴۲) یا سایر دولت‌ها (ماده ۴۸) علیه دولت ناقض به‌عمل آید. با وجود این، چه دولتی که ذی‌نفع تعهدی باشد که برای حمایت از یک منفعت جمعی وضع شده است و چه تمامی دولت‌هایی که در صورت نقض تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی قادر به انجام اقداماتی هستند، فقط می‌توانند به مسئولیت دولت مرتکب نقض تعهد «استناد» کنند، یعنی قادرند توقف نقض تعهد و اجرای تعهد به جبران خسارت را مطالبه کنند. از این‌رو استحقاق مبادرت به اقدامات متقابل همچنان منحصر به دولت زیان‌دیده باقی مانده است، ضمن اینکه قلمرو و شرایط توسل به اقدامات متقابل نامحدود نیست، اقداماتی مانند مجازات‌های اقتصادی، قطع خطوط هوایی، تعلیق کمک‌های توسعه‌ای یا نظامی و ... از جمله آنها محسوب می‌شود (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

۷. نتیجه

* معاهده تجارت اسلحه به‌تنهایی رژیم حقوقی خاصی را برای تعیین مسئولیت دولت‌ها در قبال هرگونه نقض تحت مفاد خود مشخص نکرده است. بنابراین متن معاهده از طریق قواعد ثانویه از جمله طرح مسئولیت بین‌المللی دولت (۲۰۰۱) پشتیبانی می‌شود، از این رو با استناد به مواد ۶ و ۷ معاهده و ماده ۱۶ طرح مسئولیت بین‌المللی می‌توان مسئولیت دولت به‌جهت کمک یا مساعدت در قبال اعمال گروه‌های غیردولتی را اثبات کرد. به‌منظور تحقق مسئولیت سه شرط (رکن) لازم است: ۱. کمک یا مساعدت باید برای ارتکاب یا تسهیل عمل متخلفانه بین‌المللی باشد؛ ۲. دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌کننده باید از اوضاع و احوال عمل متخلفانه آگاهی داشته باشد؛ و ۳. عمل انجام‌گرفته باید طوری باشد که اگر توسط خود دولت کمک‌کننده هم صورت بگیرد، متخلفانه قلمداد می‌شود.

* برای احراز کمک یا مساعدت (رکن مادی)، انتقال تسلیحات متعارف باید کمک زیادی به ارتکاب یا تسهیل جنایات بین‌المللی داشته باشد. از این رو دولت‌ها مجاز به هرگونه انتقال سلاح تحت پوشش معاهده تجارت اسلحه نیستند، اگر این انتقال ناقض تعهداتشان از فصل هفتم منشور یا تعهدات آنها در توافقنامه‌های بین‌المللی باشد یا اگر اطلاع داشتند که از این سلاح‌ها در ارتکاب جنایات بین‌المللی (نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو یا سایر جنایات جنگی) استفاده می‌شود (ماده ۶ معاهده). ضمن اینکه دولت‌های عضو معاهده که به‌رغم ممنوعیت تصریح‌شده در ماده ۷ اقدام به صدور مجوزی کنند که به استفاده از تسلیحات انتقال داده‌شده در اعمال تروریستی (مصرح در کنوانسیون‌های سیزده‌گانه مقابله با جرائم تروریستی) منجر شود -ضمن نقض معاهده- تعهدات خود را ذیل اسناد بین‌المللی مبارزه با تروریسم نیز نقض کردند.

* آگاهی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی شرط تحقق رکن ذهنی است. به همین منظور معاهده تجارت اسلحه (در ماده ۷) دولت‌ها را در زمان صدور مجوز صادرات ملزم به ارزیابی ریسک می‌کند تا در صورت احتمال وجود خطر جدی برای نقض حقوق بشر یا بشردوستانه از انتقال تسلیحات خودداری کنند. بنابراین دولتی که از وقوع عمل متخلفانه آگاهی داشته باشد یا آنکه در وضعیت‌هایی خاص باید آگاهی می‌داشت (بند ۳ ماده ۶) و با وجود این، با انتقال سلاح به گروه‌های غیردولتی در ارتکاب یا تسهیل عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند -حتی بدون آنکه قصد سوئی داشته باشد- تعهد خود مبنی بر پیشگیری از جرائم بین‌المللی را نقض کرده است.

* استفاده از تسلیحات نظامی توسط دولت‌ها یا گروه‌های غیردولتی در صورتی که صلح و امنیت بین‌المللی را تضعیف کند یا با نقض جدی حقوق بشر و بشردوستانه در ارتکاب جرائم بین‌المللی یا اعمالی تروریستی یا جنایات سازمان‌یافته فراملی مؤثر واقع شود، یک عمل متخلفانه بین‌المللی است که به نقض تعهد دولت مساعدت‌کننده و گروه‌های غیردولتی (مباشر) منجر می‌شود (رکن قانونی).

* معاهده تجارت اسلحه تعهداتی بین‌المللی ایجاد کرده است که در صورت نقض آنها می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی (اشتقاقی) را برای دولت متخلف به‌عنوان معاون یا مساعدت‌کننده از طریق مشارکت در صدور تسلیحات فراهم سازد که در این صورت آثار و نتایجی را نیز همچون توقف عمل و جبران خسارت به‌همراه دارد. تعهد به جبران خسارت، محتوی اصلی مسئولیت بین‌المللی است که در اشکال مختلف به اجرا درآمده و هریک از آنها کارکرد خاصی دارد. ضمن اینکه مسئولیت بین‌المللی موجب می‌شود تا استناد به مسئولیت بر اساس ماده ۴۲ توسط دولت زیان‌دیده و یا تحت شرایط ماده ۴۸ توسط سایر دولت‌ها (ذی‌نفع تعهد) نیز صورت گیرد. از جمله شیوه‌های اجرای استناد در صورت لزوم، اقامه دعوا نزد مراجع قضایی بین‌المللی یا مبادرت به اقدامات متقابل به‌منظور تضمین توقف عمل متخلفانه و جبران آثار آن است.

۸. پیشنهادها

در پایان به‌منظور بهبود عملکرد و کارایی بیشتر معاهده تجارت اسلحه، ایجاد یک نهاد بین‌المللی برای اجرا و نظارت بر آن در راستای ایفای کامل تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین با افزودن یک پروتکل الحاقی به معاهده می‌توان نواقص و ابهامات موجود (از جمله عدم منع ارسال سلاح به گروه‌های غیردولتی، نبودن تعریف مشخص از آگاهی و حدود آن، نداشتن الگو و فرمت گزارش‌دهی یکسان و عدم ارائه به‌موقع اطلاعات کافی و ...) را تا حد مناسبی برطرف کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۰). حقوق بشردوستانه بین‌المللی. چ اول، تهران: میزان.
۲. ابراهیم‌گل، علی‌رضا (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت. چ نهم، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۳. تدینی، عباس؛ کازرونی، سیدمصطفی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تجارت تسلیحات متعارف در سطح سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۷ (۴)، ۳۰-۱.
۴. حدادی، مهدی (۱۳۹۷). معاونت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱. مطالعات حقوقی، ۱۰ (۴)، ۳۰-۲.

۵. حکیمی‌ها، سعید (۱۳۹۵). ارزیابی حدود تعهد دولت‌ها به پیشگیری و همکاری در مبارزه با جرائم بین‌المللی با تأکید بر معاهده تجارت تسلیحات. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۶ (۴)، ۱۰۰۳-۱۰۲۶.
۶. سبحانی، مهین؛ باقری، نادیا (۱۳۹۹). ماهیت و انواع مسئولیت معاونت در دیوان‌های بین‌المللی کیفری. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۲ (۲)، ۱۶۲-۱۳۱.
۷. ستایش‌پور، محمد؛ عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۷ (۵۰)، ۱۴۳-۱۶۸.
۸. شفیعی، نوذر؛ دولتخواه، زهرا (۱۳۹۲). تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات. فصلنامه راهبرد، ۲۲ (۶۹)، ۱۴۱-۱۷۳.
۹. عزیزی، ستار؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۵). مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۸ (۵۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
۱۰. عسکری، پوریا؛ حسین‌نژاد، کتابون (۱۳۹۵). معاهده تجارت اسلحه در فراز و نشیب انعقاد و اجرا: مطالعه‌ای تطبیقی با موازین عام حقوق بین‌الملل. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۰ (۱)، ۱۵۱-۱۷۴.
۱۱. فروغی، فضل‌الله؛ غنی، کیوان؛ میرزایی، محمد (۱۳۹۵). پیشگیری وضعی از تروریسم هسته‌ای با تأکید بر تدابیر نظارتی. پژوهش حقوق کیفری، ۴ (۱۴)، ۸۳-۱۱۳.
۱۲. محمدی، سیدهادی؛ صداقت، سیدماکان (۱۳۹۴). کنترل تسلیحات متعارف مطابق با معاهده تجارت تسلیحات. نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۲۷ (۲۷)، ۲۴۶-۲۲۳.

۲. انگلیسی

A) Books

- Casey-Maslen, S. (2014). *Weapons under International Human Rights Law*. Cambridge University Press.
- Clapham, A. (2006). *Human Rights Obligations of Non-State Actors*. Oxford University Press.
- Kendall, S. (2016). *Beyond the ICC: State Responsibility for the Arms Trade in Africa*. In: *Africa and the ICC: Perceptions of Justice*. Cambridge University Press
- Shaw, N. Malcolm (2014). *International Law*. Cambridge University, 7th edition.
- Parker, S. (2014). *Breaking new ground? The Arms Trade Treaty, in Small Arms Survey 2014: Women and Guns*. Cambridge University Press.
- Worster, W. T. (2014). *The Arms Trade Treaty Regime In International Institutional Law*. The Hague University of Applied Sciences - International Law.

B) Articles

- Alaraby, M., & Müller, A. (2020). Countering Illicit Arms Transfers in the Mena Region: The Case of Yemen and Libya. *Friedrich-Ebert-Stiftung*, 1-11.
- Alley, R. (2022). Traded Without Restraint? Transfers of Small Arms and Light Weapons. *Security and human Rights*, 1-23.
- Bellal, A., Casey-Maslen, S., Giacca, G. (2011). Implications of International Law for a

- Future Arms Trade Treaty. *UNIDIR Resources*, Ideas for Peace and Security, 1-26. <<http://unidir.org/pdf/activites/pdf17-act537.pdf>>.
10. Bromund, T. R. (2012). The Risks the Arms Trade Treaty poses to the Sovereignty of United States. *The Heritage Foundation, leadership for America*, Issue Brief, (3622), 1-3.
11. Carlos Federico Domínguez Avila; Deywisson Ronaldo de Souza; Marcos Aurélio Guedes (2017). Arms Transfer Policies and International Security: the Case of Brazilian-Swedish Co-operation. *Contexto Internacional*, (39), 135-156.
12. Clapham, A., Casey-Maslen, S., Giacca, G., Parker, S. (2013). The Arms Trade Treaty. *Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights*, 1-44.
13. Commonwealth Secretariat (2017). The Arms Trade Treaty and international humanitarian law: a Commonwealth perspective., *Commonwealth Law Bulletin*, 33(3-4), 533-544.
14. Croveto, L., Caponigro, D. (2016). Implication and Consequences of the ATT. *Politikon the IAPSS Academic journal*, (29), 25-37.
15. Tamara, E. (2017). Controlling Arms Transfers to Non-State Actors: From the Emergence of the Sovereign-State System to the Present. *The Journal of Research Institute for the History of Global Arms Transfer*, (3), 3-20.
16. Fukui, Y. (2015). The Arms Trade Treaty: Pursuit for the Effective Control of Arms Transfer. *Journal of Conflict & Security Law*, 20(2), 301-321.
17. Gustavo Mauricio Bastien Olvera (2009). "Non-states Actors and Human Rights: The Case of Arms Manufactures. *Amsterdam Law forum*, (3), 114-119.
18. Henderson, S. (2017). The Arms Trade Treaty: Responsibility to Protect in Action?. *global responsibility to protect*, 9(2), 147-172.
19. Katja, LH S., Cassius, G. C. (2018). Closing the 'Intangible Technology Transfer' Gap within the Existing Legal Frameworks: Time for an Additional Protocol(s)?. *Groningen Journal of International Law*, 6 (1), 85-109.
20. Kellman, B. (2014). Controlling the Arms Trade: One Important Stride for Humankind. *Fordham International Law Journal*, 37(3), 687-732.
21. Lanovoy, Vladyslav (2014). Complicity in an Internationally Wrongful Act. *the Amsterdam Center for International Law*, SHARES Research Paper 38, 1-32.
22. Nave, Eva (2019). The Importance of the Arms Trade Treaty for the Implementation of the Sustainable Development Goals. *Journal of Conflict & Security Law*, 24(2), 297-324.
23. Sharma, G., Finaud, M. (2019). The Arms Trade Treaty and Asia's Major Power Defiance. *Geneva Centre for Security Policy*, (6), 1-12.
24. Smith, C. (2008). Weapon transfers to non-state armed groups. *Disarmament Forum*, (1), 45-51.
25. Stavrianakis, A. (2016). Legitimising liberal militarism: politics, law and war in the Arms Trade Treaty. *Third World Quarterly*, 37(5), 840-865.
26. Sabel, R. (2008). Weapons to non-state armed groups—back to Westphalia?. *Disarmament Forum*, (1), 5-16.
27. Zwijsen, S., Kanetake, M., & Ryngaert, C. (2020). The Law of State Responsibility and the Arms Trade Treaty. *verdieping*, 151-160.